

نظری ستاره‌های تاج که با پرسپولیس تا یک‌قدمی عقد قرارداد نهایی رفتند ولی در لحظه آخر تاجی‌ها میج شان را گرفتند. روزنامه رستاخیز در شماره ۲۴ مهرماه ۱۳۵۵ نوشته است: «در طول هفته گذشته سه بازیکن ملی پوش قراردادهای خود را تمدید کردند. این امضاها خیلی محرمانه بود. سه بازیکنی که از ستون‌های اصلی تیم ملی بودند در فاصله چند ماه به نقل و انتقالات هر کدام چندین خواستار داشتند اما تیم‌های مربوطه به موقع میج آنها را چسبیدند و کار را تمام کردند. تاج که حسن نظری و آندرانیک اسکندریان را در حال فرار می‌دید خود به دنبال ناصر حجازی بود تا او را به مکان سابقش بازگرداند. همین مسائل خود باعث نگرانی شهپاز شده بود. تاج که با هفتاد هزار تومان باب صحبت را با حجازی باز کرده بود در

از چهارشنبه هفته گذشته حسن روشن از تمرینات تاج قهر کرده و خود به تنهایی تمرین می‌کند. تصمیم باشگاه به دنبال تقاضای وی برای اخذ رضایت‌نامه و خودداری باشگاه از دادن آن می‌شود. چندی پیش که تاج به دب‌ی رفته بود باشگاه الاهلی همان تیمی که سه - هیچ از تاج شکست خورد به دو بازیکن تاج (روشن و نظری) پیشنهاد داد که برای مدت سه سال حاضرند مبلغ هشتصد هزار تومان پرداخت کنند.

گرماگرم گفت‌وگو بود که شهپازی‌ها کار را تمام کردند و با پرداخت یک چک نود هزار تومانی سنگریان خود را حفظ کردند. برای حفظ نظری و اسکندریان، تاج مجبور بود تا به هر شکل پاسخگوی آراارات و پرسپولیس باشد. ارامنه با پیشنهادهای فریبنده برای هر بازیکنی اسکندریان را به دلمشغولی کشانده بود. صحبت از صد هزار تومان بود و مزایایی دیگر که این را ثروتمندان ارمنی شرافتمندانه قول داده بودند. برای نظری هم پرسپولیس دام پهن کرده و فرستادگان این تیم مذاکرات بسیاری را در خانه این بازیکن صورت داده و از او قول تعویض پیراهن از آبی به قرمز را گرفته بودند. در اینجا نیز یک چک صد هزار تومانی قند دل بازیکن آبادانی را آب کرده بود. قرار بود تا هفتاد هزار تومان را باشگاه متقبل شود و بقیه را طرفداران تیم سرخ‌ها تقبل کنند اما سرانجام این دو بازیکن برای دو سال با تاج امضا کردند. اسکندریان و نظری هر کدام در مورد مبالغ دریافتی رقم ۵۰ هزار تومان را ذکر کردند اما اینکه چه علتی باعث شده تا چک‌های صد هزار تومانی را نادیده بگیرند برای ما سخت غیرقابل باور است که بدانیم بازیکن آن هم در این اوضاع و احوال اینقدر گذشت کند. آیا شما هم باور می‌کنید؟»

دو سال بعد از این روزها که لیگ تخت جمشید به دوره پایانی خود رسید درست در مهرماه ۱۳۵۷ بود که حسن روشن طفل شیرین حشمت و ستاره بی‌بدیل تیم ملی، مشتری چرب و چیلی‌ای از شیخ‌نشین‌ها پیدا کرد و با باشگاهش تاج به مشکل خورد. صفحه ورزشی روزنامه رستاخیز در تاریخ ۴ مهرماه درباره ماجرای او پاره گزارشی روشن‌گرانه دارد: «از چهارشنبه هفته گذشته حسن روشن از تمرینات تاج قهر کرده و خود به تنهایی تمرین می‌کند. تصمیم باشگاه به دنبال تقاضای وی برای اخذ رضایت‌نامه و خودداری باشگاه از دادن آن می‌شود. چندی پیش که تاج به دب‌ی رفته بود باشگاه الاهلی همان تیمی که سه - هیچ از تاج شکست خورد به دو بازیکن تاج (روشن و نظری) پیشنهاد داد که برای مدت سه سال حاضرند مبلغ هشتصد هزار تومان پرداخت کنند. این مطلب آنچنان جاذب بود که هر دورا به وسوسه انداخت. نظری البته به دلیل اشتغال به سربازی صدایش را درنیامورد و به انتظار نشست اما روشن وارد مذاکره شد و حتی موافقت خود را کتبا به استحضار ریاست باشگاه عربی اعلام کرد. روشن برای رفتن به دب‌ی چندان هم آسوده‌خاطر نبود زیرا داشتن رضایت‌نامه از شرایط لازم انتقال بود که همین مسأله تاج و روشن را در مقابل هم قرار می‌داد. روشن ابتدا با خواهش و التماس و تراشیدن چند واسطه برای مدیران باشگاه درخواست رضایت‌نامه را مطرح ساخت اما کمیته فوتبال تاج نم‌پس نداد. سپس روشن حاضر شد دویست هزار تومان از مبلغی را که می‌گیرد به باشگاه تاج واگذار کند زیرا سال پیش روشن برای سه سال، قرارداد سیصد هزار تومانی امضا کرده بود. بازگرداندن این پول نیز نتوانست تاج را نرم کند. تا اینکه مجادله آرام بازیکن و باشگاه به جایی رسید که روشن به حالت اعتراض ساکش را برداشت و از زمین تمرین خارج شد. روشن که حاضر نیست این فرصت خوب و به قول خودش اکازیون را از دست بدهد می‌گفت این ظلم است. فوتبال ما که هنوز حرفه‌ای نشده. در ثانی هیچ حرفه‌ای سنگدلی هم راضی به این کار نمی‌شود. ورزش است. برده‌داری که نیست. نباید راه ترقی من اینطور مسدود بماند. آیا پول بیشتری را مطالبید یا مسأله لجبازی است؟ وقتی سه برابر تاج را به من می‌دهند و در سال هم سه ماه

فوتبال دارند من چگونه آرام بگیرم؟ مرا زنجیر نکنید و بگذارید منی که زندگی‌ام را نثار فوتبال کرده‌ام این شانس و اقبال را بیهوده رد نکنم. تاج حتما می‌داند که من با چنین وضعی هیچ وقت یک حسن روشن واقعی برای شان نخواهم بود جز اینکه از سر سیری کار کنم و اوقات خود و تیم را تا پایان قرارداد سپری نمایم.»

در چنین شرایطی که چشم همه برای پول دودو می‌زند ستاره‌هایی هم البته هستند که همچون صوفیان با یک مشت گندم بو داده خود، راضی‌اند. روزنامه رستاخیز در روز ۲۲ مرداد ۱۳۵۷ درباره دعوت خیبری به تیم ملی زیر ۲۳ ساله‌ها از قول او نوشته است: «تمام خانواده من به آمریکا رفته‌اند. من هستم و یک مغازه خواربار فروشی پدرم که باید آن را بچرخانم. دست تنها نمی‌توانم آن را رها کنم و به اردو بیایم.»

این را هم از خاطر دور نکنید که فوتبالیست‌های ایران از ازل تا کنون همیشه عاشق معامله‌های نقد و خشکه بوده‌اند. مثلاً این سندی از انتقال مسیح مسیح مسیح‌نیا ستاره خط دفاعی پرسپولیس به ابومسلم مشهد در لیگ تخت جمشید است که علناً می‌گوید خشکه معامله می‌کند! کیهان ورزشی درباره انتقال او می‌نویسد: «با حساب و کتاب‌هایی که علی عبده مدیر باشگاه پرسپولیس می‌کرد گویا این باشگاه زیادی لی‌لی به لالای بازیکنانش گذاشته است طوری که خودش هم در ادامه روابطش با بازیکنان، نه راه پس دارد نه راه پیش. برای همین، بازیکنان این تیم که وضع را با کنار رفتن بازیکنان قدیمی مساعد دیده‌اند نازفروشی را آغاز کرده‌اند که در این وانفسا نازشان خریدار هم دارد. چند روز پیش شاهد مذاکره یکی از پرسپولیسی‌ها با مسیح‌نیا بازیکن این تیم بودیم. طرف برای راضی کردن مسیح‌نیا می‌گفت مسیح جان اگر حساب کنی می‌بینی که با باقی ماندن در پرسپولیس، آخر سال ۵۰ هزار تومن گیرت اومده ولی مسیح‌نیا که بوی خوشی را از جانب خراسان شنیده است -احتمالاً یک پیشنهاد ۴۵ هزار تومنی و حقوق ماهیانه نسبتاً خوبی- در جواب مذاکره گفت من اهل پاداش و این چیزها نیستم. من خشکه معامله می‌کنم. همه ما اجبرم را یکجا ۳۵ هزار تومن می‌فروشم. می‌دین؟ یا علی! وگرنه فردا از من دلخور نشین. در مقابل

با حساب و کتاب‌هایی که علی عبده مدیر باشگاه پرسپولیس می‌کرد ، گویا این باشگاه زیادی لی‌لی به لالای بازیکنانش گذاشته است طوری که خودش هم در ادامه برنامه‌ها و روابطش با بازیکنان نه راه پیش دارد نه راه پس .

برای همین بازیکنان این تیم هم ، حالا که وضع را با کنار رفتن بازیکنان قدیمی تیم ، مساعد دیده‌اند ، نازفروشی را آغاز کرده‌اند که در این وانفسا نازشان خریدار هم دارد .

چند روز پیش شاهد مذاکره یکی از پرسپولیسی‌ها با مسیح نیا بازیکن این تیم بودیم . طرف برای راضی کردن مسیح نیا می‌گفت : «مسیح جان اگر حساب کنسی می‌بینی که با باقی ماندن در پرسپولیس ، آخرسال . ۵ هزار تومان گیرت آمده .»

۳۵ هزار تومان، یک سال تمام نوکرتان هستم. چک بخواهید می‌دم. سفته می‌آیم. محضر می‌آیم. ضامن هم دارم!

فوتبال ایران از روزی که بوی پول شنید در یک جاهایی در نقش حاج امین‌الضرب ظاهر شد و سکه چاپ کرد و در برخی موقعیت‌ها هم تبدیل به شمر ذی‌الجوشن. به همین خاطر هم هست که فوتبالیست‌های ما به مرور نه نوکر، نه کنیز و نه برده، بلکه در نقش شاه‌ده‌ها فرورفتند، آنهم با کلی اهن و تولوپ که بعله این منم طاووس علیین شده اما خود در فصل نقل و انتقالات برای نقد کردن پول‌شان هزار دلبختی و مرض داشتند! خلاصه‌اش اینکه در این ۱۲۰ سالی که از پیدایش این رشته در ایران

مسیح نیا خشک معامله می کند !

ولی بر اساس شایعات شنیده شده — که از منابع تقریباً «موثق» هم بوده است — مسیح نیا هم بوی خوشی را که از طرف خراسان می‌آید شنیده است . بوی دلپذیری که احتمالاً از یک پیشنهاد ۴۵ هزار تومانی و حقوق ماهیانه نسبتاً خوبی بلند شده است .

به همین دلیل مسیح نیا در جواب طرف مذاکره گفت : «من اهل پاداش و این چیزها نیستم . من خشکه معامله می‌کنم ، همه مواجیم را یکجا ۳۵ هزار تومان می‌فروشم میدین ؟ یا علی وگرنه فردا از من دلخور نشین . درمقابل ۳۵ هزار تومان یکسال تمام نوکرتان هم هستم ، چک بخواهید میدم ، سفته میدم ، محضر می‌آیم وضامن هم دارم !» .

می‌گذرد هنوز فوتبال ما با تمامی دادار دودوره‌ایش، یک آب خوشی در فصل بره‌کشان از گل‌ویش پایین نرفته است چون هرگز نه مثل کشورهای توسعه یافته، آنقدر زیربناهای حقوقی قدرتمندی دارد که جایگاه مالک و توپچی را مشخص کند و نه با قواعد نئواستثماری این تجارت سیاه به مبارزه می‌ایستد. یک چیز هر دمبیل‌اش شله قلمکاری است که هر سال تیارث‌ها را هم می‌اندازد و در محکمه‌های مدنی داخلی و بین‌المللی، تاوان‌ها می‌دهد آن سرش ناپیدا. انگاری که فوتبال ما هنوز در شمایل توسعه نیافته نیم قرن پیش رسوب کرده است. فقط کسی نیست برگه قراردادش را مثل بزغال‌های قورت دهد و پشت‌بندش طلا پس بدهد.

تاج نمیتواند بدون دردسر زندگی کند

ستار دلدار



دو رکن اساسی هما کناره‌گیری کردند

بدنبال زندگی بدون. سوال اینست که آیا با رفتن این دو که سالهای سال بار هما روی دوشان بود، این تیم با وجود اختلاف‌های داخلی فعلی باز هم دوام خواهد آورد؟



از این پس دیگر هرگز حسن نایب‌آقا و سهام‌الدین میرفخرائی را در میدان‌های فوتبال نخواهیم دید. این دو نه خیلی ناگهانی اما بهر حال تصمیم گرفتند برای همیشه فوتبال را کنار بگذارند و



خبیری در بورس است

حبیب خبیری بیشترین طالب را در میان مربیان تهرانی فوتبال دارد چون آنان داد این بازیکن حمید درخشان است که اعلام رفتن حسن و سهام ممکن است او بخواهد تغییر باشگاه بدهد. لذا تا بحال چندین باشگاه پیشنهادهای خود را تسلیم او کرده‌اند اما در این میان پرسپولیس و دارائی خیلی جدی دنبال او هستند.

احتمالاً یک بازیکن دیگر را هم از دست خواهد داد این بازیکن حمید درخشان است که اعلام رفتن حسن و سهام ممکن است او بخواهد تغییر باشگاه بدهد. لذا تا بحال چندین باشگاه پیشنهادهای خود را تسلیم او کرده‌اند اما در این میان پرسپولیس و دارائی خیلی جدی دنبال او هستند.



رشیدی رفت، نبوی می‌آید

منصور رشیدی احتمالاً به رستاخیز می‌پیوندد و اگر به این تیم خرمشهری هم نرود، دارائی آنقدر استطاعت مالی ندارد که بتواند او را تأمین کند. به همین دلیل باید او را رفتنی دانست. دارائی در صدد است با رفتن رشیدی از ناصر نبوی کمک بگیرد.

گرفت تیم پرسپولیس کمتر حس میشود. مهرباب نیز چون گذشته با صمیمیت غیرقابل وصفی در خدمت تیم است. نخست به دو خارجی تیم پرسپولیس می‌پردازیم یکی از این دو بازیکن یعنی مک‌لورن همان جوانی که زودتر از آلینوینسل و میگوید: «من بهر حال طالب درخشان هستم چون خیلی بدر کار ما می‌خورد» پرسپولیس اگر دوبار یک به یقین و سه بازیکن

● پرسپولیس زیاد بفکر رایکف نیست اما در جستجوی خبری، برزگری، پنجعلی و چنگیز است

● دو هفته است کازرانی را در میدان نمی‌بینیم و شاید هرگز هم نبینیم

● نایب‌آقا و میرفخرائی هم از فوتبال کناره‌گیری کردند!

● ممکن است هما سال آینده نباشد!

● شش بازیکن پاس دسته جمعی کوچ می‌کنند؟

● رشیدی از دارائی رفتنی است

● دارائی، نبوی، طاحونی، تابانی و حسینی را می‌خواهد.



کازرانی در اوج رقابت‌ها کنار رفت

در شرایطی که تیم پاس در گری رشیدی برای کسب مقام قهرمانی دارد، کازرانی ناگهان اعلام کرد که از فوتبال زده شده است و حالش از هر چه توپ است بهم می‌خورد! به این دلیل کازرانی رفت و به مهاجرانی عربی خودش نیز نگفت که کی برمیگردد!

وی گفته است که یک دروازه‌بان که بسوزهای بازنشنگی نزدیک شده است، برای تغییر باشگاه خود ۲۰۰ هزار تومان گرفته است!!! به این می‌گویند زرنگی تمام معنی نه؟

پنج هفته از جام باقی است و از هاکسون برخلاف تمام فرارهایی که از قبل گذاشته شده است، باشگاه‌ها به جان بازیکنان و بازیکنان به جان باشگاه‌ها افتاده‌اند تا پیش از اینکه مهلت نقل و انتقالات فرا برسد، همدیگر را بپزد و قراردادهای لازم را به امضاء برسانند.

چند شماره پیش نوشتیم که نمایندگان باشگاه‌ها در جلسه‌ی کاملاً محرمانه در صددند آئین‌نامه‌ی برای نقل و انتقالات تدوین کنند. در همان مقاله سرفصل‌های کلی طرح را برای نخستین بار فاش ساختیم و پیرو آن تأکید کردیم که هر قدر می‌که در این راه برداشته شود میتواند سروسامانی به این آشفته بازار بدهد. متأسفانه بدلائل متعدد تا این ساعت که کیهان‌ورزشی مقابل روی شماست، هنوز کار کمیته بررسی وضع نقل و انتقالات به نتیجه نرسیده است و نخستین دلائل آن سفر یکی دو تن از اعضاء کمیته بخارج از کشور و دلیلی دیگر، بدقولی یکی از رؤسای باشگاه‌های شرکت‌کننده در جلسه بود. به این مفهوم که نمایندگان باشگاه‌ها هم قسم شده بودند که تا آئین‌نامه نقل و انتقالات به تدوین و به تصویب نرسد، اقدام به استخدام بازیکن جدید و «فر» زدن بازیکن تیم دیگری نکنند. اما برخلاف این قسم یکی از باشگاه‌های بزرگ تهران با بازیکنی از رده قدیمی‌ها قرار داد امضاء کرد و وقتی نمایندگان دیگر باشگاه‌ها از سر اعتراض اقدام او را محکوم کردند رئیس باشگاه گفت: «من هنوز سر قسم خودم باقی هستم، چون تصمیم به استخدام این بازیکن را کمیته فوتبال باشگاه گرفته است، نه من و...!! این عمل بدتر از گناه سیب‌شده که دیگر